

بررسی وضعیت تحصیلی

دانش آموزان جهشی

نوشته: آقای آرین ارانی

معرفی مقاله

جهش تحصیلی یکی از روشهای تسریع برای کوتاه کردن دوران تحصیل است. در کشور ما طی کردن دوپایه تحصیلی در یک سال، در هر دوره توسط دانش آموز، تنها مشروط به نمره دروس و درخواست والدین است.

این بررسی به مقایسه نتایج پایه تحصیلی قبل و نهایی بعد از جهش (پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی) ۴۲۸ دانش آموز در سه درس "املاء"، "ریاضی" و "علوم" در دهه شصت شمسی (۷۰ - ۱۳۶۰) پرداخته و با توجه به افراد مورد مطالعه، فاصله زمانی بین دوپایه، حداقل ۹ ماه و حداکثر شش سال بوده است.

نتایج تحقیق نشان می دهد که:

- دانش آموزان جهشی وضعیت نسبی تحصیلی خوب خود را - در مجموع - حفظ می کنند.

- جهش در دوره ابتدایی بیشتر صورت می گیرد و با افزایش هر پایه استفاده از جهش به کمتر از نصف کاهش می یابد.

- سهم خانواده ها در تصمیم گیری از سهم معدل و نمره درسی بیشتر است.

- تفاوت بین پسران و دختران در استفاده از جهش، معنی دار نیست.

- با گذراندن پایه های بعد از جهش، تفاوت وضعیت تحصیلی

بین دانش آموزان مورد بحث افزایش پیدا می کند.

- بین نتایج دروس آنان در پایه قبل و نهایی بعد از جهش (پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی)، همستگی معنی دار وجود ندارد.
این مقاله را آقای آرین ارانی عضو شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش شهرستان و با اعتبار شورای مذکور تهیه کرده و در اختیار فصلنامه قرار داده است که به این وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌شود.

فصلنامه،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

تیین مراحل رشد، برقراری نظام سالی یک کلاس و وجود تفاوت‌های فردی و نیز وجود بعضی از قابلیت‌ها و توانایی‌ها، مسألهٔ تسریع^۱ در رشد و یادگیری را نزد صاحب‌نظران مطرح کرده‌است.

"پیاژه"^۲ اعتقاد دارد که نیازی به تسریع در مراحل رشد وجود ندارد و برای آن‌که کودک به آمادگی یادگیری لازم برسد باید مراحل رشد با سرعتی بهینه طی شوند. (۱) از سوی دیگر "برونر"^۳ (۲) (نقل از بیلر) و "دیوید هانت"^۴ و "ادموند سالیوان"^۵ (۳) برایین باورند که با اعمال روش‌های مناسب آموزش و به کمک روانشناسی تربیتی می‌توان در آمادگی تسریع ایجاد کرد.

بحث پیرامون تسریع و مسایل و روش‌های آن در اکثر کتابهایی که با روان‌شناسی پرورشی و آموزش تیزهوشان در ارتباط‌اند، مشاهده می‌شود. یکی از این روش‌ها "جهش تحصیلی"^۶ است که گاهی با تسریع تحصیلی مترادف گرفته می‌شود.

برای اولین بار در سال ۱۹۰۰ میلادی در شهر "نیویورک" کلاس‌هایی دایر شد که در آنها دانش‌آموزان می‌توانستند سه کلاس را در دو سال با موفقیت پشت سر بگذارند (۴). استفاده از این روش تا به امروز ادامه دارد و در هر کتاب مربوط به آموزش تیزهوشان بحث پیرامون جهش تحصیلی مشاهده می‌شود.

انواع تسریع تحصیلی - منجمله جهش - در خارج از ایران از زوایای گوناگون به تحقیق گذاشته شده‌است. به دلیل تنوع و تعدد این مطالعات، به بخشی از آنها در بیست سال اخیر اشاره می‌شود.

"فوکس"^۷ (۱۹۷۴)، "لانگ"^۸ (۱۹۷۴)، "پولاس"^۹ (۱۹۸۴)، "هوفمن"^{۱۰} (۱۹۸۹)، "مگیو"^{۱۱} (۱۹۸۸)، "کولیک، ج و کولیک، س"^{۱۲}، "بن باو"^{۱۳} (۱۹۹۱) و بسیاری دیگر که پیرامون این مسأله مطالعه داشته‌اند، عدم وجود تأثیرات منفی بر دانش‌آموزان جهشی را تأیید کرده‌اند. (۵) "گالاگر"^{۱۴} ضمن آن که جهش تحصیلی را نامطلوب‌ترین روش تسریع می‌داند، دلیل واقعی مخالفت شدید نسبت به تسریع تحصیلی را که در نظام‌های آموزشی یافت می‌شوند، نه در داده‌های پژوهشی واقعی، که بسیار هم مطلوب هستند، بلکه در برخی دلبواپسها یا نگرانیهای پنهان معلمان و والدین پیرامون این جریان می‌داند. (۶).

در مقابل این تأییدها بحث‌هایی پیرامون آثار منفی تسریع وجود دارد و باز "گالاگر" از خلاصه پژوهش‌هایش (۱۹۶۶) نقل قول می‌کند که "وجود مشکلات اجتماعی یا عاطفی به نظر نمی‌رسد که مزایای اندوختن یک یا دو سال از یک سرمایه‌گذاری درازمدت دورهٔ تحصیلی را کاهش دهد" (۷). "گیتزبرگ و اوپر"^{۱۵} تأثیرات نامطلوب تحت فشار قراردادن کودک را - حتی زمانی که ابزارهای ذهنی لازم در او رشد کرده‌است - برای یادگیری قبل از موعد، مناسب ندانسته‌اند و در همین رابطه "اسمداسلاند"^{۱۶} با آزمایش‌هایی نشان داد که حتی

با آموزش و کارآموزی، یادگیری سطحی خواهد بود و "الکایند" ۱۷ اظهار می‌دارد که "اگر به نوجوانان، بیش از حد تعلیمات رسمی ارائه شود - که مانع جذب کامل آنها به اکتشافات خودشان بشود - احتمالاً کودکانی بار خواهند آمد که از نظر هوشی "سوخته‌اند" (۸). (نقل از بیلر) در مجموع، اغلب یافته‌های تحقیقات موجود، آثار منفی برای جهش نمی‌شناسند و در مقابل، اهمیت آثار احتمالی درازمدت آن - از نظر تئوری - بحث را باز گذاشته است.

در ایران بر اساس ماده ۱۱ قانون اساسی فرهنگ (۱۳۲۹ ق.ه) تعیین کلاس در مدارس دولتی برای دانش آموز، توسط امتحانی بود که از او گرفته می‌شد و بعدها تقسیم شاگردان در کلاسها مطابق آیین‌نامه داخلی مصوب شورای عالی فرهنگ (۱۳۰۰ ه.ش) و بر اساس نمرات ظرف سال و امتحاناتی بود که در مواقع معین از دانش آموز به عمل می‌آمده است (۹) و یا شورای عالی معارف با اصلاح ماده ۱۵ نظام‌نامه دبستان در سال ۱۳۱۴ اجازه می‌دهد در تقاطعی که دبستان شش کلاسه تأسیس نشده است، کسانی که به‌طور خصوصی تحصیل نموده‌اند، با تأیید ادارات معارف در امتحانات نهایی سال ششم شرکت کنند (۱۰). این گونه ضوابط مجوزی برای طی یک یا چند پایه در یک سال تحصیلی بوده است. باید توجه داشت که گذراندن دو یا چند پایه در یک سال تا حد بسیار زیادی متأثر از کمبود امکانات و مدرسه و شاید به ندرت به منظور تسریع صورت می‌گرفته و وجود داشته است. تا جایی که وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۸ طی بخشنامه‌ای از اداره‌های فرهنگ می‌خواهد تا از شرکت دانش‌آموزان کمتر از ۱۲ سال، در امتحانات نهایی پایه ششم، جلوگیری نمایند و به وضع تحصیلی داوطلبان رسیدگی نموده و صورتی از کسانی که مراحل تحصیل را مرتب پیموه‌اند و استحقاق ادامه تحصیل در کلاس ششم را دارند، به اداره فرهنگ ارسال کنند (۱۱). به هر حال علاقه به تسریع و استفاده از مواد دستورالعملها نزد والدین وجود داشته به‌طوری که "عیسی صدیق" (۱۳۳۷) توصیه می‌کند که در مقابل درخواست پدر و مادر برای طی دو پایه در یک سال باید ایستادگی کرد و صلاح کودکان را به آنان فهماند. وی دلیل این امر را بهداشت و تندرستی شاگرد و اصول آموزش و پرورش ذکر می‌کند (۱۲).

در ماده ۹۱ امتحانات نظام قدیم (۱۳۳۹) - شش کلاس ابتدایی و شش کلاس متوسطه - به صراحت قید می‌شود که "هیچ دانش‌آموزی نمی‌تواند در یک سال بیش از یک کلاس طی نماید." و سرانجام در مرداد ۱۳۵۶ بر اساس دستورالعمل "دو/۸۲۸۹" وزارت آموزش و پرورش، دانش‌آموز می‌توانست از جهش تحصیلی استفاده کند. شرط استفاده، درخواست اولیاء، داشتن حداقل معدل ۱۸، حداقل نمره سالانه ۱۴ در هر درس و موافقت اکثریت اعضای شورای معلمان و عدم اشتغال به تحصیل در کلاسهای مقاطع بوده و شرط قبولی در امتحانات جهشی، کسب حداقل نمره ۱۲ در هر یک از دروس است. (۱۳).

از آن زمان جهش تحصیلی با تغییراتی در شروط، در آیین‌نامه‌های امتحانات سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۸ وجود دارد.

آیین‌نامه‌ها و دستورالعملها از این دانش‌آموزان با عناوین ساعی و برجسته یاد می‌کنند. بدیهی است که ملاکهای آیین‌نامه‌ها نمی‌توانند به‌خوبی مبین دو عنوان یادشده باشند.

از شروع این تصمیم‌گیری در جهان و پیرو آن در ایران همواره این سؤال مطرح بوده‌است که آیا این دسته از دانش‌آموزان در سالهای بعد در پیشرفت تحصیلی و یا سازگاری اجتماعی - عاطفی دچار مشکل نخواهند شد؟ آیا یادگیری به این صورت یادگیری عناصر پیچیده‌تر در سالهای بعد را متأثر نخواهد ساخت؟

به هر صورت جهش تحصیلی کم‌هزینه و سهل‌الوصول‌ترین روش تسریع است و با توجه به محدودیتهای موجود کشور برای آموزش تیزهوشان، در صورت موفقیت می‌تواند پاسخگوی بخشی از نیازهای والدین در این زمینه باشد.

با توجه به آنچه که گذشت، پیرامون وضعیت تحصیلی این دسته از دانش‌آموزان سه فرضیه مطرح شد.

- در دوره ابتدایی جهش بیشتر صورت می‌گیرد.

- اقدام به جهش نزد پسران بیشتر مشاهده می‌شود.

- وضعیت نسبی دانش‌آموزان جهشی در دروس "املاء"، "ریاضی" و "علوم" تفاوت معنی‌دار ندارد.

در ایران با فاصله کمی از این بررسی دو تحقیق دیگر در این زمینه توسط آقایان "محمدرضا آهنکوب‌نژاد" (خوزستان) و "محمد جعفری" (تهران) انجام شده و در آنها نشان داده شده‌است که دانش‌آموزان جهشی از نظر سازگاری اجتماعی - عاطفی با دیگران تفاوت ندارند (۱۴ و ۱۵). در هر حال باید توجه داشت که در هر دو تحقیق فاصله کمی بین جهش و انجام تحقیق وجود دارد.

روش

جامعه آماری را فارغ‌التحصیلان دوره ابتدایی و راهنمایی شهر تهران که حداقل یک پایه تحصیلی را جهش داشته‌اند، تشکیل دادند. هر یک از مناطق تهران یک خوشه و مناطق ۱ و ۶ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۷ به تصادف انتخاب شدند. محدوده زمانی بررسی دهه شصت شمسی در نظر گرفته شد.

بررسیهای اولیه زمینه‌یابی نشان داد که تعداد این دانش‌آموزان در سطح شهر تهران بالغ بر ۵۰۰۰ نفر است و همینطور اطلاعات واصله و اجرای آزمایشی فرم نشان داد که جایجایی گسترده دانش‌آموزان جهشی در سطح شهر تهران و شهرستانها و بالعکس وجود دارد.

همین زمینه‌یابی تعداد افراد موردنظر را در پنج منطقه در حدود ۸۴۰ نفر نشان می‌داد، با توجه به مشکلات و محدودیتهای گوناگون - خارج از توان تحقیق - تلاش شد تا جایی که

میسر است اطلاعات مربوط به وضعیت تحصیلی تمام افراد مورد نظر جمع آوری شود. گستردگی طیف مهاجرت نشان داد که در صورت پیگیری دانش آموزان جهشی مهاجر، حیطه فعالیت جمع آوری داده‌ها از محدوده شهر تهران فراتر خواهد رفت و از سوی دیگر به دلیل عدم دستیابی به سوابق تغییر منطقه، شهر و حتی کشور، موجب ورود ناقص بخشی از جهش‌های مهاجر به نمونه می‌شد. لذا فرد نمونه به صورت زیر تعریف شد:

"فرد نمونه دانش آموزی است که با استفاده از ماده ۱۵ آیین‌نامه ۱۳۵۹ و یا ماده ۲۸ آیین‌نامه سال ۱۳۶۸ از جهش تحصیلی استفاده کرده و پایه قبل و نهایی بعد از جهش (پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی) را در یک منطقه گذرانده است."

جدول ۱ - تعداد دانش آموزان جهشی در نمونه

جمع	راهنمایی دوم	ابتدایی			جنس
		دوپایه	چهارم	سوم	
۲۰۶	۵	۱	۱۸	۳۰	دختر
۲۲۲	۱	۳	۳۴	۶۲	پسر
۱۰۰	۱/۴	۰/۹	۱۲/۲	۲۱/۵	درصدکل

جدول ۲ - تعداد افراد مورد بررسی بر حسب منطقه

جمع	راهنمایی دوم	ابتدایی			منطقه
		دوپایه	چهارم	سوم	
۸۲	۱	۲	۱۲	۲۱	یک
۱۳۷	۱	۲	۲۳	۳۶	شش
۱۱۹	۳	-	۱۲	۱۹	یازده
۴۶	-	-	۲	۵	سیزده
۴۴	۱	-	۳	۱۱	هفده

از داده‌های جمع آوری شده مربوط به ۶۷۸ دانش آموز جهشی تنها داده‌های مربوط به ۴۲۸ نفر کامل شد.

به دلیل پراکندگی افراد نمونه در دهه شصت شمسی، انتخاب گروهی بدون جهش، با ویژگیهای دانش آموزان جهشی و با ابزارهای موجود نمی‌توانست دارای اعتبار باشد. همچنین عوامل گوناگون ناشی از زمان دهه‌ساله بررسی و عوامل مربوط به گروه گواه احتمالی می‌توانست از اعتبار نتایج بکاهد.

داده‌های این بررسی نمرات دانش آموزان جهشی و همکلاسه‌های وی، جنس، سال و پایه

جهش می‌باشند که با مراجعه مستقیم به واحدهای آموزشی، جمع‌آوری گردید. به منظور ایجاد امکان مقایسه و حذف برخی از عوامل مداخله‌ای، روشی مشابه "پیش‌آزمون - آزمون‌نهایی" اختیار شد.

جایگاه هر دانش‌آموز جهشی قبل از جهش، بین همکلاسها (نمره Z) و همینطور وضعیت نسبی او نسبت به همکلاسها در امتحان‌نهایی (نمره Z) محاسبه شد. منظور از انتخاب پایه‌نهایی (پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی)، حذف تأثیر نظر ارزشیاب نسبت به جهش و دانش‌آموز جهشی بود.

به منظور مقایسه وضعیت نسبی (میانگین و انحراف معیار) از آزمون "t" برای گروه‌های وابسته و برای مقایسه نسبت تعداد دانش‌آموزان جهشی در دو جنس، از آزمون "t" برای نسبتها استفاده شد.

بکارگیری نمره Z و نمرات امتحان‌نهایی اجازه می‌داد تا تأثیر عواملی چون نوع سؤال، نحوه تصحیح، نظر معلم نسبت به جهش و محیط کمتر و در ضمن مقایسه دو پایه دارای اعتبار بیشتری شود زیرا که کسب نمره ۱۸ در پایه‌های مختلف دوره ابتدایی و یا راهنمایی به یک معنی نیست.

یافته‌های تحقیق:

۹۸/۶ درصد دانش‌آموزان در دوره ابتدایی از جهش تحصیلی استفاده کرده‌اند و سهم عمده‌ای (۶۴ درصد) از آن به پایه دوم ۱۸ تعلق دارد. با افزایش پایه‌ها تعداد استفاده‌کنندگان از جهش کاهش می‌یابد و حتی بدون استفاده از آزمونهای آماری می‌توان قضاوت کرد که در دوره ابتدایی جهش بیشتر صورت می‌گیرد. در ضمن نقش منطقه جغرافیایی - که در تهران با منطقه اجتماعی، اقتصادی ارتباط دارد در استفاده از جهش مشهود است (جداول ۱ و ۲).

در میان ۶۹۲۷ نفر پسر و ۵۹۱۹ نفر دختر همکلاس دانش‌آموزان جهشی دوره ابتدایی به ترتیب ۷۰ و ۷۸/۷ درصد آنان دارای نمره ۱۸ و بالاتر در سه درس موردنظر می‌باشند و از این میان ۲۰۱ دختر و ۲۲۱ پسر از جهش تحصیلی استفاده کرده‌اند. بین پسران و دختران در استفاده از جهش تحصیلی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و این فرضیه تحقیق رد می‌شود. یادآوری شود که شرط استفاده از جهش، داشتن معدل ۱۸ و حداقل نمره هر درس ۱۵ است و در نتیجه، درصد دانش‌آموزانی که دارای شرایط جهش می‌باشند، بسیار بیشتر از آنچه که در سطرهای بالا ذکر شد می‌باشد. به عبارت دیگر آیین‌نامه‌ها حداقل ۷۰ درصد دانش‌آموزان دوره ابتدایی را ساعی و برجسته می‌شناسند!

وضعیت نسبی تحصیلی دانش‌آموزان نمونه، بر اساس پایه جهش، جنس، درس و تعداد جهش، به شش گروه دسته‌بندی و برای هر گروه علاوه بر مقادیر "t" ضریب همبستگی بین

وضعیت نسبی در پایه قبل و نهایی بعد از جهش محاسبه و هر جا که تفاوت مقادیر محاسبه شده از نظر آماری معنی دار باشد با علامت "*" مشخص شده است. این جداول در پایان متن ارائه شده اند.

کمترین میانگین نمرات استاندارد شده در پایه قبل از جهش برای دختران ۰/۳۸۸ و برای پسران ۰/۴۴۷ به ترتیب در دروس "املاء" و "ریاضی" پایه اول به دست آمد (جدول ۳).

در پایه پنجم کمترین میانگین نمرات استاندارد شده ۰/۴۱۳ در "املاء" برای دخترانی که پایه چهارم را جهش داشته اند و ۰/۳۹۹ در "علوم" برای پسرانی که پایه چهارم را جهش داشته اند، مشاهده شد. به عبارت دیگر دانش آموزان پسر و دختر جهشی در پایه قبل و بعد از جهش به طور متوسط از ۶۵ درصد افراد همکلاس خود بالاتر قرار داشته اند (جدول ۴). به هر صورت همانطور که در جداول آمده است، به جز در یک مورد املاء برای دخترانی که دوبار جهش داشته اند - میانگین وضعیت نسبی (نمرات Z) پایه قبل و پایه بعد از جهش، تفاوت معنی دار نیست. و این دانش آموزان به طور متوسط وضعیت نسبی خود را بعد از جهش حفظ کرده اند.

معنی دار بودن تفاوت انحراف معیارها در اکثر موارد قابل توجه است. و این امر نشان می دهد که تفاوتها نزد این دانش آموزان افزایش یافته است. در تحلیل این تفاوتها، عوامل مهم تفاوتهای فردی و تأثیر جنسیت را علاوه بر جهش باید در نظر گرفت. وجود افزایش تفاوتهای فردی با طی پایه های تحصیلی امروزه پذیرفته شده است به طوری که در مورد آن مستقلاً منابع و مآخذ فراوان وجود دارد. جداول سه و هشت که در آنها فاصله بین پایه قبل از جهش و پایه نهایی بین سه تا شش سال است، می تواند بیانگر عامل مهم افزایش تفاوتهای فردی باشد و اجازه نمی دهد تا سهم عامل جهش در این میان مشخص شود.

نکته قابل توجه دیگر، جداول شماره پنج و هفت است. این گروه از دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی و یا پایه دوم راهنمایی را جهش داشته اند. در نتیجه پائی پنجم یا سوم راهنمایی با فاصله ۹ ماه پایه بعدی آنان را تشکیل می دهد.

از سوی دیگر نمره اکثریت قریب به اتفاق (۹۱٪) این دانش آموزان، به سمت راست توزیع نمرات در کلاس تعلق دارد و از کل جامعه انتخاب نشده اند، لذا باید پذیرفت که عامل دیگری به جز تفاوتهای فردی در این امر مؤثر بوده است.

موارد فوق و مشترک بودن عامل جهش، قضاوت را با دشواری همراه می سازد. اگر می توانستیم به اعتبار ضوابط جهش تکیه کنیم، باید عامل بروز تفاوت انحراف معیارها را، جهش می دانستیم؛ اما همانطور که در سطرهای قبل اشاره شد، این ضوابط اکثر دانش آموزان دوره ابتدایی را در برمی گیرد. در نهایت تفکیک سهم سه عامل تفاوتهای فردی، جنسیت و جهش، میسر نیست.

تحقیقات نشان داده‌اند که بین پیشرفت تحصیلی و پایه‌های مختلف، همبستگی مثبت وجود دارد. "بلوم"^{۱۹}(۱۶)، "اتکینسون"^{۲۰}(۱۷). چنین امری بین وضعیت نسبی این دانش‌آموزان قبل و بعد از جهش کمتر مشاهده می‌شود. این شاخص در هنگام مقایسه با نتایج پایه سوم راهنمایی (جدول ۷) به صفر نزدیک می‌شود.

یکی از موارد قابل توجه، وجود همبستگی مثبت در درس ریاضی بین نتایج پایه قبل از جهش و پایه پنجم ابتدایی نزد پسران است، حتی در مقایسه با پایه سوم راهنمایی نیز این مقدار نزد پسران اگر چه معنی دار نیست اما قابل توجه است. این امر بحث گسترده تأثیر جنسیت در پیشرفت دروس و ارتباط آن با فرهنگ را مطرح می‌کند که مورد نظر تحقیق نیست.

بحث و نتیجه‌گیری:

جهش تحصیلی از نظر هزینه و امکانات یکی از ساده‌ترین روشهای تسریع تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش است. شرایط آیین‌نامه‌ها در کشور ما شامل ۷۰ درصد دانش‌آموزان بخصوص در دوره ابتدایی می‌شود که خود حکایت از اعتبار کم آن دارد. با توجه به درصد بالای افراد حائز شرایط و استفاده تنها چهار درصد آنان از جهش تحصیلی و وجود ۹۸/۶ درصد جهش در پایه‌های ابتدایی و تأثیر خانواده‌ها در تصمیم‌گیریهای این گروه سنی، باید اظهار داشت که: "جهش تصمیمی است که مورد علاقه والدین است."

متأسفانه این تصمیم خانواده‌ها همواره با بررسی کافی صورت نگرفته است. در ۴۰ مورد (۹/۳ درصد)، دانش‌آموز با داشتن شرایط جهش، حداقل در یکی از دروس دارای نمره استاندارد منفی نسبت به کلاس است و از این عده ۲۸ نفر توانسته‌اند وضعیت نسبی خود را بهبود بخشند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که دانش‌آموزان جهشی در مجموع وضعیت نسبی خوب خود را حفظ می‌کنند ولی تفاوتها نزد آنان افزایش می‌یابد.

همبستگی به جز در درس ریاضی و آن هم نزد پسران، در اکثر موارد معنی دار نیست و به دلیل آن که ویژگی مشترک همه این افراد جهش تحصیلی است، عامل آن را باید جهش تحصیلی دانست مگر آن که این شرایط برای تمام جامعه دانش‌آموزان وجود داشته باشد. به عبارت دیگر آگاهی از وضعیت نسبی دانش‌آموز، قبل از جهش برای پیش‌بینی وضعیت نسبی او در سالهای بعد کافی نیست.

در نهایت، اگر "گالاگر" به نقل از "پلومان" و "رایس" انواع تسریع را مطلوب و دلیل مخالفت با آنها را دلواپسیها و نگرانیهای پنهان معلمان و والدین ذکر کرده و در بررسیها دلیلی برای آن نیافته (۱۸). این بررسی نشان می‌دهد که جهش تحصیلی اگر چه در ایران موفقیت‌آمیز است اما با ضوابط موجود، دلیل برای مخالفت و نگرانی وجود دارد.

پیشنهاد:

ضرورت دارد آیین‌نامهٔ جهش، مورد تجدیدنظر کلی قرار گیرد. در سال ۱۳۶۸ به منظور دشوار نمودن شرایط جهش در دو دورهٔ ابتدایی و راهنمایی، حداقل نمره از ۱۳ به ۱۵ افزایش یافت و جهش از پایهٔ دوم غیرمجاز اعلام شد.

نادرستی این شرایط در دورهٔ ابتدایی، سخت‌تر کردن بی‌ثمر شرایط برای جهش در دو دورهٔ راهنمایی و متوسطه، در جایی که گرایش به جهش به ندرت وجود دارد و حذف جهش از پایهٔ دوم در حالی که نتایج جهش در تمام پایه‌ها تقریباً مشابه است، نشان می‌دهد که این ضوابط نتوانسته است مراد و منظور وضع‌کنندگان آیین‌نامه‌ها را برآورده سازد. لذا ضرورت دارد که:

- الف: نمره هر درس دانش‌آموز داوطلب، در دورهٔ ابتدایی، حداقل از نمرهٔ ۸۵ درصد دانش‌آموزان همان کلاس بالاتر باشد.
- ب: نظر معلمان در مورد ویژگیهای جسمی، عاطفی و سازگاری دانش‌آموز داوطلب، در مقایسه با دانش‌آموزان عادی یک یا دو سال بزرگتر از طریق یک پرسشنامهٔ مدون شده جمع‌آوری، و به عنوان ملاک در جهش به کار گرفته شود.

n : تعداد
 $t(\bar{x})$: مقادیر t برای میانگینها
 $t(s)$: مقادیر t برای واریانسها
 r : ضریب همبستگی (پیرسون)
**** = $p < 0.001$**
*** = $p < 0.05$**

جدول شماره ۳ - جهش در پایه دوم ابتدایی

پایه قبل از جهش: اول					پایه نهایی: پنجم ابتدایی		
جنس	درس	n	\bar{z}	s(z)	$t(\bar{z})$	t(s)	r
پسران	املاء		قبل	۰/۴۸۹	۰/۴۲۸	-۰/۱۵۶	۰/۱۴۱
			بعد	۰/۵۴۶	۰/۷۷۶		**
	ریاضی	۱۲۲	قبل	۰/۵۴۹	۰/۳۳۸	۰/۵۹۹	۰/۳۹۲
			بعد	۰/۸۲۳	۰/۷		**
	علوم		قبل	۰/۴۴۷	۰/۵۲۲	-۰/۴۲۷	۰/۱۲
			بعد	۰/۶۹۴	۰/۷۳۷		**
دختران	املاء		قبل	۰/۳۸۸	۰/۶۲۷	-۰/۱۷۹	۰/۰۶۳
			بعد	۰/۴۸۳	۰/۶۲		
	ریاضی	۱۵۲	قبل	۰/۴۶۹	۰/۴۷۱	-۰/۲۶۸	۰/۱۱۴
			بعد	۰/۶۴۸	۰/۸۰۸		**
	علوم		قبل	۰/۴۵۷	۰/۲۶۱	۰/۴۶۸	۰/۰۰۸
			بعد	۰/۶۵۷	۰/۶۴۹		**

جدول شماره ۲ - جهش در پایه سوم ابتدایی

پایه قبل از جهش: دوم						پایه نهایی: پنجم ابتدایی												
جنس	درس	η	z^-	$s(z)$	$t(z)$	$t(s)$	r	جنس	درس	η	z^-	$s(z)$	$t(z)$	$t(s)$	r			
پسران	املاء		قبل	۰/۵۹۱	۰/۶۲۲	۰/۰۲۷	۰/۱۹۳					قبل	۰/۵۹۱	۰/۶۲۲	۰/۰۲۷	۰/۱۹۳		
			بعد	۰/۵۹۸	۰/۴۷۶	*						بعد	۰/۵۹۸	۰/۴۷۶	*			
	ریاضی	۶۲		قبل	۰/۷۴	۰/۶۲۲	۰/۳۳۲	۰/۴۷۹					قبل	۰/۷۴	۰/۶۲۲	۰/۳۳۲	۰/۴۷۹	
				بعد	۰/۸۶۷	۰/۶	**						بعد	۰/۸۶۷	۰/۶	**		
	علوم			قبل	۰/۶۰۳	۰/۸۳	۰/۲۳۳	۰/۴۴۸						قبل	۰/۶۰۳	۰/۸۳	۰/۲۳۳	۰/۴۴۸
				بعد	۰/۷۵۲	۰/۶۹	**							بعد	۰/۷۵۲	۰/۶۹	**	
دختران	املاء		قبل	۰/۴۸۹	۰/۴۱۷	۰/۲۰۴	۰/۰۲۱						قبل	۰/۴۸۹	۰/۴۱۷	۰/۲۰۴	۰/۰۲۱	
			بعد	۰/۴۳۲	۰/۴۵۸								بعد	۰/۴۳۲	۰/۴۵۸			
	ریاضی	۳۰		قبل	۰/۶۵۴	۰/۳۹۹	۰/۱۶۶	۰/۳۴						قبل	۰/۶۵۴	۰/۳۹۹	۰/۱۶۶	۰/۳۴
				بعد	۰/۵۷۳	۰/۷۲	*							بعد	۰/۵۷۳	۰/۷۲	*	
	علوم			قبل	۰/۶۲۶	۰/۲۷۱	۰/۴۷۱	۰/۳۹۶						قبل	۰/۶۲۶	۰/۲۷۱	۰/۴۷۱	۰/۳۹۶
				بعد	۰/۴۴۴	۰/۶۴۱	**							بعد	۰/۴۴۴	۰/۶۴۱	**	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۵ - جهش در پایه چهارم ابتدایی

پایه قبل از جهش: سوم						پایه نهایی: پنجم ابتدایی		
جنس	درس	n	z^-		s(z)	t(z)	t(s)	r
پسران	املاء	۳۴	قبل	۰/۵۸۳	۰/۳۲۴	۰/۳۴۲	-۷/۳۲۲	۰/۶۴۷
			بعد	۰/۳۹۹	۰/۷۶۶	**	**	**
	ریاضی	قبل	۰/۸۴۶	۰/۲۶۰	۰/۱۵۲	-۶/۴۵۹	۰/۵۹۹	
		بعد	۰/۸۰۰	۰/۵۸۹	**	**	**	
	علوم	قبل	۰/۶۶۸	۰/۴۰۰	۰/۳۰۷	-۱/۳۸۸	۰/۲۶۵	
		بعد	۰/۷۴۹	۰/۵۰۶				
دختران	املاء	۱۸	قبل	۰/۴۵	۰/۴۷۷	۰/۱۲۱	-۰/۲۹۲	-۰/۲۱۹
			بعد	۰/۴۱۳	۰/۵۱۲			
	ریاضی		قبل	۰/۷۶۳	۰/۳۵۲	۰/۳۹۸	-۲/۶۶۵	۰/۱۵۰
بعد		۰/۵۹۳	۰/۶۵۱	*	*	*		
علوم	قبل	۰/۶۹۵	۰/۳۶۴	۰/۰۰۳	-۱/۵۲۸	۰/۰۰۶		
	بعد	۰/۶۹۶	۰/۵۲۹					

جدول شماره ۶ - جهش در پایه دوم و چهارم ابتدایی

پایه قبل از جهش: اول و سوم						پایه نهایی: پنجم ابتدایی	
دختر و پسر	n	z^-		s(z)	t(z)	t(s)	r
دختر و پسر	۴	قبل	۰/۷۴۷	۰/۳۰۱	۳/۹۹۶	۰/۰۸۳	۰/۷۷۴
		بعد	۰/۴۹۳	۰/۳۱۲			
	ریاضی	قبل	۰/۷۲۵	۰/۴۲۴	۰/۷۱۳	-۰/۹۴۸	-۰/۱۱۶
		بعد	۱/۲۰۲	۰/۷۸۹			
	علوم	قبل	۰/۵۶۴	۰/۳۳۱	۰/۱۱۸	-۳/۹۲۲	۰/۸۳۲
		بعد	۰/۷۰۰	۱/۱۱۷			

جدول شماره ۷ - جهش در پایه دوم راهنمایی

پایه قبل از جهش: اول راهنمایی						پایه نهایی: سوم راهنمایی	
r	t(s)	t(z)	s(z)	z ⁻	n	دختر و پسر	
۰/۹۵۵	۰/۸۹۵	۱/۳۳۴	۰/۶۱۴	۱/۲۴۳	۶	املاء	
			۰/۵۳۸	۱/۰۶۸			
۰/۳۶۵	-۲/۷۳۷	۰/۴۵۹	۰/۴۱۰	۱/۶۱۲	۶	ریاضی	
			۱/۱۸۶	۰/۹۹۱			
-۰/۶۰۶	-۰/۰۵۲	-۰/۵۴۹	۰/۳۹۲	۱/۵۶۸	۶	علوم	
			۰/۴۰۰	۱/۷۲۲			

جدول شماره ۸ - جهش در ابتدایی - نهایی سوم راهنمایی

پایه قبل از جهش: ابتدایی						پایه نهایی: سوم راهنمایی	
r	t(s)	t(z)	s(z)	z ⁻	n	درس	جنس
-۰/۰۲۷	-۱/۶۹۲	۰/۲۱۶	۰/۳۵۶	۰/۷۸۷	۱۳	املاء	پسران
			۰/۵۸۱	۰/۷۰۸			
۰/۴۱۳	-۲/۹۴۳	۰/۰۸۱	۰/۳۷۷	۰/۸۵۶	۱۳	ریاضی	
			۰/۷۸۹	۰/۸۰۹			
۰/۰۶۲	-۱/۳۱۳	-۰/۰۷۸	۰/۵۷۳	۰/۹۲۸	۱۳	علوم	
			۰/۸۴۳	۰/۹۸۸			
۰/۰۶۲	-۴/۶۷۵	-۱/۱۶۶	۰/۲۱۳	۰/۵۶۹	۳۱	املاء	دختران
			۰/۴۶۶	۰/۸۲۶			
۰/۱۸۴	-۴/۱۷۸	-۰/۵۳۴	۰/۳۵۶	۰/۶۹۵	۳۱	ریاضی	
			۰/۷۲۰	۰/۹۶۸			
۰/۲۴۲	-۵/۵۵۲	-۰/۵۰۱	۰/۲۴۹	۰/۶۰۸	۳۱	علوم	
			۰/۶۰۱	۰/۷۸۴			



زیر نویس ها:

- 1- Acceleration
- 2- Piaget, J, P
- 3- Bruner, J, S
- 4- Hunt, D, E
- 5- Sullivan, E, V
- 6- Grade Skipping
- 7- Fox, Lynn, H, 1974
- 8- Long, Larry, H, 1974
- 9- Paulus, Pat, 1984
- 10- Huffman, Susan, C, 1989
- 11- Maggio, Helen, 1988
- 12- Kulik, C, C & Kulik, J, A. 1982 & 1992
- 13- Benbow, C, P. 1991
- 14- Gallager, James, J
- 15- Ginsburg, H & Oppper, S
- 16- Smedslund, J, 1961
- 17- Elkind, David

۱۸- جهشهای پایه دوم قبل از سال ۱۳۶۸ صورت نگرفته است.

19- Bloom, B, S. 1982

20- Atkinson, R, L & Atkinson, R, C & Hilgard , E, R (1983)



مأخذ و منابع:

- ۱ - پیازه، ژ، پ. تربیت به کجایه می‌سپرد. مترجمان منصور و دادستان. دانشگاه تهران، ۱۳۶۹. صفحه ۳۶.
- ۲ - بیلر، ر. کاربرد روان‌شناسی در آموزش. مترجم پروین کدیور. مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۸. صفحه ۱۰۳.
- ۳ - هانت، دیوید و سالیوان، ادموند. رابطه بین روان‌شناسی و آموزش و پرورش. مترجم اکبر میرحسینی. انتشارات بامداد. چاپ اول ۱۳۶۷، صفحه ۲۸۳.
- ۴ - افزونه غلامعلی، روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹. صفحه ۱۷۱.
- ۵ - این مدارک بصورت چکیده و یا خلاصه در بانکهای اطلاعاتی مؤسسه الهدی و سازمان پژوهشهای علمی صنعتی وجود دارند.
- ۶ - گالاگر، ج، ج. آموزش کودکان نیزهوش. مترجمان مهدی‌زاده و رضوانی. انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹. صفحه ۴۰۱ و ۴۰۵.
- ۷ - همان. صفحه ۴۰۳.
- ۸ - مأخذ شماره ۲ - صفحه ۱۲۵.
- ۹ - صدیقی، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران. چاپخانه زیبا. تهران. چاپ ششم، ۱۳۵۱. صفحات ۳۶۶ و ۳۷۰ (لازم به تذکر است که تاریخ‌ها از این مأخذ و متن از مأخذ ۱۲ می‌باشد).
- ۱۰ - مجله تعلیم و تربیت. مرداد ۱۳۱۴. سال پنجم. بخش نظام‌نامه‌ها.
- ۱۱ - مجله تعلیم و تربیت. اسفند ۱۳۱۸. سال نهم. صفحه ۱۴۶.
- ۱۲ - صدیقی، عیسی. روش نوین در آموزش و پرورش. شرکت سهامی طبع، تهران. چاپ بازدهم، ۱۳۳۷. صفحه ۲۶۴.
- ۱۳ - آیین‌نامه‌های امتحانات مصوب یکصد و هشتاد و هشتمین و چهارصد و هشتاد و نهمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۵۹.
- ۱۴ - آهنگوب‌نژاد، محمدرضا. مقایسه عملکرد تحصیلی و سازگاری عاطفی - اجتماعی دانش‌آموزان جهشی و غیرجهشی مدارس ابتدایی شهر اهواز. آموزش و پرورش استان خوزستان.
- ۱۵ - جمعری، محمد. بررسی جهش تحصیلی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی مناطق شمال تهران (۱) و (۳) در سال تحصیلی ۷۰ - ۶۹. دانشگاه تربیت معلم تهران. دانشکده علوم تربیتی.
- ۱۶ - بلوم، بنیامین، س. و بزرگیهای آدمی و یادگیری آموزشگاهی. مترجم علی‌اکبر سیف. مرکز نشر دانشگاهی تهران. ۱۳۶۳ صفحه ۹۴ به بعد.
- ۱۷ - اتکینسون، ریشارد، ل و اتکینسون، ریچارد، س و هیلگارد، ارنست، زمینه روان‌شناسی. مترجم محمدنقی راهنی و همکاران. انتشارات رشد. ۱۳۷۰، جلد دوم، صفحه ۴۰.
- ۱۸ - مأخذ شماره ۶. همان صفحات.